

## ابراهیم مکی

ابراهیم مکی با همه فروتنی و دوری از هیاهو و تظاهر نامی آشنا در تأثیر ایرانی ست.

مناسفانه در نوشته های به چاپ رسیده ی مکی نشانی از زندگی نامه شخصی و هنری وی نیست. چرا که او هرگز در فکر معرفی و مطرح کردن خویش نبوده است. به همین دلیل در چنین وضعی سخن گفتن در باره ابراهیم مکی و آثارش در زمینه های تأثیر، سینما، رادیو و تلویزیون چندان آسان نخواهد بود. با شناختی که از مکی دارم، وی برخلاف شماری از نویسندگان و هنرمندان که دنیا را مدیون و بدهکار خود می دانند، همواره آگاهانه و فروتنانه در باره خود و آثارش سکوت کرده است. و تا به امروز نه همین شیوه بدون کمترین ادعا به تلاش و خدمت فرهنگی خویش ادامه داده است.

ابراهیم مکی از معدود ابزرودنویسان ایرانی ست که در دو کتاب تکمیل کرده و هفت پرده و بعدها در نمایشنامه بلند شترقربانی نه تنها ذوق خود را در این سبک آزمایش کرده، بلکه توانایی چشمگیر خویش را نیز به اثبات رسانده است.

مکی دارای لیسانس ادبیات دراماتیک و نمایشنامه نویسی از دانشکده هنرهای دراماتیک و فوق لیسانس در رشته مدیریت امور فرهنگی از دانشگاه فارابی است.

مکی دوره های ارتباطات انسانی و نمایشنامه نویسی را در میشنگان آمریکا گذراند. او همچنین به اخذ مدرک DEA و دکترای در رشته ی تمدن و ادبیات فرانسه (با تز اکسپرسیونیسم در تأثیر بکت) از سوربن پاریس نیز موفق گشته است.

ابراهیم مکی تاکنون افزون بر سال ها تدریس در دانشکده دراماتیک، دانشکده صدا و سیما، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، کتاب های زیر را نیز برای علاقمندان تأثیر و سینما به چاپ رسانده است:

- فرشته شکسته بال و حکم (دو نمایشنامه) (۱۳۴۰)

- تک پرده (۱۳۵۶)

- هفت پرده (۱۳۶۱)

- خوشبختی آقای ایزدی (فیلمنامه) (۱۳۶۶)

- مقدمه ای بر فیلمنامه نویسی و کالبد شکافی یک فیلم (۱۳۷۰)

- شناخت عوامل نمایشی (۱۳۷۱)

- شتر قربانی؛ کتاب نمایش، شماره ۴، ۱۹۹۹.

## گروه تأثیر چهره

تلاش نمایشی "گروه تأثیر چهره" با اجرای نمایشنامه "دو چهره کارفرما" (لویی والدرز) در سال ۱۹۸۱ آغاز شد. این فعالیت سپس در خارج از کشور ادامه یافت که ثمره این دوره تاکنون اجرای نمایشنامه های عاقبت قلم فرسایی (غلامحسین ساعدی)، بزبوقندی، مامور امنیتی - پلیس (سلاومیر مرزوک)، شاپرک خانم (بیژن مفید) و کله سفید (ابراهیم مکی) بوده است.



## کله سفید

نامه رسانی در جستجوی سربازی به نام "کله سفید" است تا نامه ارسالی وی را بدستش برسانند. اما وقتی به آدرس مورد نظر می رسد سرباز مذکور را نمی یابد و سربازی هم که در آنجا پاس می دهد، از وجود کسی به نام "کله سفید" اظهار بی اطلاعی می کند. عاقبت هر دو در پی یک گفتگوی طولانی و یک سری درگیری های نفس گیر بر سر مسائل جزئی، خسته و درمانده از یکدیگر جدا می شوند، بدون آنکه توانسته باشند به یکدیگر کمک کنند. اگرچه که هر دو به نوعی به کمک یکدیگر نیازمندند. جویندگانی که هرگز یکدیگر را نمی یابند! کشمکش دایمی میان پیام آوران و پیام گیران. نگاهی به فاصله میان طرح پیام از یک سو و درک آن از سوی دیگر!

بازیگران:  
کمال حسینی  
اصغر نصرتی

Darsteller:  
Asghar Nosrati  
Kamal Hossini

نور و صدا: بهمن فیلسوف  
عکس: پری ناز حسینی  
تدارکات: رسول عیدی زاده  
طراح آفیش: م. دیزاشکن  
برشور: اصغر نصرتی  
موسیقی: نیکی راییز (آنسوی سکوت)

Ein Briefträger sucht den Empfänger eines Briefes. Der Empfänger heißt "Soldat Weißkopf"! Die einzige Person, die neben dem Postboten in der abgelegenen Gegend lebt, ist ein völlig isoliert postierter Soldat. Der behauptet, einen Weißkopf nicht zu kennen. Es wird darüber spekuliert, ob der Vorgesetzte, der den Soldaten in dieser Einöde stationiert hat, vielleicht der gesuchte Weißkopf ist. Die Verzweiflung des Briefträgers, den Brief nicht zustellen zu können, steigert sich ins Groteske. Enttäuscht geht er ab. Der alleingelassene Soldat nimmt seinen Helm ab, und man sieht ...